

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عنوان سوم: عسر و حرج

عنوان سوم که رافع حسن احتیاط است، عنوان عسر و حرج است. نسبت به دو عنوان گذشته وسواس و اختلال نظام، بحث موضوعی کردیم چون احساس کردیم جایی بحث نشده است. اما در مورد عسر و حرج چون در جای خودش بحث می‌شود اینجا اشاره نمی‌کنیم فقط فی الجمله عرض می‌کنیم که اگر بر تکرار عمل، عنوان عسر و حرج منطبق شود دیگر حسن احتیاط از بین می‌رود و احتیاط حسن نیست. فرق بین این عنوان و عنوان قبلی که اختلال نظام بود این است که قبح اختلال نظام یک قبح عقلی است در غالب موارد ولی قبح فعل عسر و حرجی معلوم نیست قبح عقلی باشد آنچه که هست اگر عسر و حرج نافی تکلیف است یا حسن احتیاط را از بین می‌برد به دلیل شرعی است «**مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**»^۲ و امثال اینها.

عنوان چهارم: وهن به مذهب

به صورت مختصر از روایات مختلف استفاده می‌شود و عقل هم مساعدت دارد ولی دلالت ندارد که اگر انسان عملی را انجام بدهد که بر این عمل منطبق بشود وهن به مذهب یا بالاتر وهن به اهل بیت علیهم السلام، مسلم وهن به مذهب عمل حرامی است. ما گاهی داریم بر عنوان احتیاط وهن به مذهب صدق می‌کند، عنوان وهن به مذهب هم حسن احتیاط را از بین می‌برد و دیگر احتیاط حسن نیست. (بحث وهن به مذهب می‌تواند یک قاعده فقهی عقائدی باشد که جای بحث فراوان دارد که در جای خودش باید بررسی شود).

مثال: می‌دانیم که در حج در نماز طواف گفته شده خلف المقام باشد پشت مقام خوانده شود، خلف المقام الان تا آن دیوار آخر مسجد حدود ۴۰ متر است احتیاط اقتضا می‌کند که هرچه نزدیکتر به مقام ابراهیم این نماز خوانده بشود. عنوان احتیاط بر قرب مکانی به مقام ابراهیم منطبق است در بسیاری از موارد مطاف شلوغ می‌شود در اغلب موارد تنها شیعه است که به خاطر احتیاط سعی می‌کنند نزدیک مقام بلکه چسبیده به مقام نماز بخوانند، اجتماع شیعه آنجا مزاحم طواف کنندگان است (طرف طواف باعث ترک احتیاط نمی‌شود) ولی الان به صورتی شده که این عمل شده وهن به مذهب. عنوان وهن به مذهب بر این احتیاط صدق می‌کند لذا اگر عنوان وهن به مذهب بر احتیاط صدق کرد حسن احتیاط را از بین می‌برد و دیگر این احتیاط حسن نمی‌شود.

در پایان این عنوان چهارم، جمع بندی می‌کنیم که هر عنوان ثانوی که اگر با عناوین اولی تراحم پیدا کرد و این عنوان ثانوی بر عناوین اولی مقدم شد بدون شبهه این عنوان ثانوی بر احتیاط هم مقدم می‌شود. لذا اگر کسی فرض کند یک مثالی را تصویر کند که احتیاط و تکرار عمل با تقیه مخالف باشد بدون شبهه چنانچه عنوان تقیه رافع احکام اولی است رافع حسن احتیاط هم خواهد بود. در ذیل این بحث دو نکته کوتاه را اشاره می‌کنیم و بحث از شرایط جریان احتیاط را تمام می‌کنیم.

نکته اول: اگر جمیع موارد احتیاط و اتیان همه احتمالات، مستلزم یک عنوان قبیحه‌ای است مثل وسواس مثل اختلال نظام مثل عسر و حرج ولی انجام برخی از احتمالات عسر و حرج ندارد، وسواس نمی‌آورد، اختلال نظام نمی‌آورد اینجا بدون شبهه حتی اتیان آن بعض راجع است ولی اکنون که می‌خواهد بعضی از احتمالات را از باب احتیاط انجام بدهد، کدام بعض را گزینش کند و چگونه گزینش کند؟ دو طریق اینجا بیان شده است.

طریق اول: گفته شده قوت احتمال را در نظر بگیرد و ابتدائاً برای عمل احتمالات قوی را گزینش کند، مثلاً مقایسه می‌کند و می‌بیند برخی از افراد احتیاط ظن به وصولشان به واقع است، ۶۰ درصد یا ۷۰ درصد می‌گوید این طرف را انجام دهم به واقع می‌رسم، طرف مقابلش ۴۰ یا ۳۰ درصد است. گاهی احتمالات مشکوک است ۵۰-۵۰ است، گاهی هم آن طرف وهم است ۳۰-۴۰ درصد. طریق اول می‌گوید برای گزینش مصادیق احتیاط که می‌خواهی عمل کنی، ابتدا احتمالات مظنون را بگیر تا جایی که منجر به اختلال نظام و عسر و حرج نمی‌شود و نوبت دیگر به مشکوک و موهوم نمی‌رسد.

طریق دوم: گفته می‌شود به احتمال توجه نمی‌شود بلکه این قوت محتمل است که باعث می‌شود آن مصادیقی از احتیاط را انسان گزینش کند که محتمل آن قویتر است هر چند احتمالش ضعیف باشد مثلاً مثل دماء و فروج و اعراض مردم، امر دایر است بین اینکه احتیاط کند در اموری که حق الله است یا حق الناس. اگر بخواهد در همه احتیاط کند اختلال نظام پیش می‌آید اینجا ابتدائاً احتمالات مهم را مورد انتخاب قرار دهد هر چند احتمالش ضعیف باشد. لذا اول امثال ماء و فروج را انتخاب کند.

۱ - جلسه ۳۳ - مسلسل ۲۴۸ - یکشنبه - ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

۲ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۴: «عَلَيْ بَنِي إِسْرَافِيلَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ الْجُنُبِ يَنْتَهِي إِلَى الْمَاءِ الْقَلِيلِ فِي الطَّرِيقِ وَ يُرِيدُ أَنْ يَغْتَسِلَ مِنْهُ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِثَاءٌ يَغْرِفُ بِهِ وَ يَدَاهُ قَذْرَتَانِ قَالَ يَضَعُ يَدَهُ وَ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَغْتَسِلُ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ».

وجه اصح این است که جمع بین هر دو طریق ممکن است یعنی ابتدا بیاید محتملات مهم را در نظر بگیرد و قوت احتمال را هم مورد توجه قرار دهد، باز در بین محتملات حق الناسی قوت احتمال کدام یک بیشتر است همان را انتخاب کند. این نکته اول که عرض شد که احتیاط دو طریق دارد و جمع بین آنها ممکن است.

نکته دوم: این نکته، مهم است، احتمال تکلیف که حسن احتیاط را به دنبال دارد، مقصود احتمال عقلایی است. گاهی در برخی از موارد یک احتمالات بسیار موهوم که وقتی تجزیه و تحلیل می شود، یک انسان عاقل می گوید توهم است و این احتمال اینجا اصلاً فرض نمی شود. احتمال تکلیف حسن احتیاط می آورد به شرطی که احتمال عقلایی باشد اگر احتمال، احتمال موهوم غیر عقلایی باشد حسن احتیاط نمی آورد. اشاره به چند مثال باقیمانده است که خواهد آمد.